**نکته**

### وقتی ترامپ از جنگ افروزی در جهان سود می‌برد

## رئیس جمهور آمریکا یا دلال اسلحه؟!

**علی تتماج- تحلیلگر مسائل بین الملل**

ترامپ رئیس جمهور آمریکا در سفری رسمی راهی ایرلند شده است. این سفر در حالی صورت گرفته است که نوع برخورد مردم و دولت ایرلند و نیز مواضع ترامپ بیانگر تحولاتی قابل توجه در صحنه بین الملل است که ریشه در سیاست‌های خودکامه ترامپ و نیز رویکردهای نوین جهانی بویژه پس از جنگ رمضان به آمریکا دارد. یکی از مباحث مهم در این سفر نوع نگاه مردم ایرلند به آمریکاست. هرچند که ترامپ بر آن بوده تا واشنگتن را ناجی و حامی بزرگ ایرلند معرفی و حتی از مقامات این کشور نیز تعریف کرده است، اما نگاه مردم به این آمریکا جهت عکس این ادعاها و فضاسازی رسانه‌ای را نشان می‌دهد چنانکه همزمان با برگزاری تظاهرات گسترده در دوبلین در اعتراض به سفر دونالد ترامپ به ایرلند، گروهی از معترضان در دوبلین پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. تظاهرات در دوبلین در اعتراض به سفر ترامپ به ایرلند با حضور ده‌ها گروه سیاسی، اتحادیه صنفی و سازمان مدنی برگزار شد. معترضان در این تجمع شعارهایی با مضامین مختلف از جمله حمایت از فلسطین و ایران و اعتراض به سیاست‌های آمریکا سر دادند. این ضدیت با آمریکا نه تنها در میان مردم بلکه در ساختار سیاسی ایرلند نیز نمود یافته است چنانکه کاترین کانولی رئیس جمهور ایرلند در دیدار با همتای آمریکایی خود در سخنانی کنایه‌آمیز که برگرفته از اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی و آمریکا از غزه تا ایران است گفت عادی سازی جنگ و نسل کشی قابل قبول نیست. این رویکردهای منفی از سوی مردم و دولت ترامپ که بیانگر شکست دیپلماسی عمومی و عرفی آمریکاست در حالی رقم خورده است که ترامپ مدعی بود که می‌تواند اقتدار را به آمریکا بازگرداند حال آنکه کارنامه سیاه او موجب گسترده انزجار جهانی از آمریکا را رقم زده است. او نه ناجی و احیاگر آمریکای بزرگ بلکه عامل حقارت آمریکا در جهان شده چنانکه حتی متحدان اروپایی آمریکا نیز دیگر حاضر به همراه با آن نیستند. نکته مهم آنکه رویکرد کشورها به دوری از آمریکا در شرایطی است که همزمان با سفر او به ایرلند کشورهای پیرو نظم نوین جهان در قالب بریکس در هند بر مقابله با یک جانبه گرایی غرب تاکید و خواستار مقابله جهانی با آمریکا شده‌اند.

**تنزل رئیس جمهور به دلال اسلحه**

نکته مهم دیگر در سفر ترامپ تکرار تنزل جایگاه رئیس جمهور آمریکا در حد دلال اسلحه است. ترامپ که در سفر به کشورهای عربی و حتی اجلاس ناتو در قامت یک بازاریاب تسلیحاتی و حافظ منافع شرکت‌های اسلحه سازی ظاهر شده بود در ایرلند نیز همین رویه را در پیش گرفت. ترامپ که به خاطر ناکامی در میدان نظامی و کاهش زرادخانه‌های تسلیحاتی مدتی است با موج انتقادات مواجه شده است، با تمجید از توانمندی‌های دفاعی این کشور اعلام کرد تجهیزات نظامی جدید آمریکا به زودی ارائه خواهند شد. ترامپ در دیدار با رهبران تجاری در دوبلین ادعا کرد: ما تجهیزات بسیار خوبی تولید می‌کنیم و آنها را با سرعت بسیار بیشتری وارد میدان می‌کنیم. ترامپ همچنین ادعا کرد که ایرلند نیز به دنبال تقویت توانمندی‌های نظامی خود است. سخنان ترامپ هرچند در نگاه اول نوعی پاسخ به انتقادهای درونی به وضعیت بحرانی انبارهای تسلیحاتی آمریکا و افشا شدن نابودی بسیاری از تسلیحات راهبردی آمریکا در برابر قدرت موشک‌ها و پهپادهای ایرانی بوده است، اما اصل موضوع آن است که ترامپ به دنبال فروش تسلیحات به ایرلند و سایر کشورهای غربی با ایجاد رقابت تسلیحاتی کاذب است چنانکه مدت‌هاست که ترامپ خواستار افزایش بودجه ناتو تا ۵ درصد تولید ناخالص ملی البته به شرط خرید تسلیحات از آمریکاست. او همچنین عنوان کرده آمریکا با فروش تسلیحات به اروپا برای ارسال به اوکراین مخالفتی ندارد. رفتارای ترامپ نشان می‌دهد که او از یک سو برخلاف ادعایش نه رئیس جمهور صلح که محور جنگ است و از سوی دیگر جایگاه او نه یک رئیس جمهور بلکه تامین کننده منافع شرکت‌های تسلیحاتی است و شاید ریشه اصلی تمام بحران سازی‌های جهانی او را در همین معادله بتوان ارزیابی کرد.

**تاثیر جنگ رمضان بر مواضع کشورها در برابر آمریکا**

نکته مهمی که در سفر ترامپ به ایرلند مشاهده می‌شود تاثیرات جنگ رمضان بر رفتارهای ترامپ و نیز مواضع کشورهاست. ترامپ که روزی ادعا می‌کرد که در چند روز ایران را تسلیم و محو می‌کند نه تنها به این ادعا نرسیده بلکه گرفتار باتلاقی شده که اقتدار و تاب آوری میدان و دیپلماسی ایرانی برایش رقم زده است. مدیریت هوشمند ایران بر تنگه هرمز و پاسخ‌های سنگین، سریع و دردناک نیروهای مسلح به تجاوزات آمریکایی - صهیونیستی، تاب آوری اجتماعی ملت بزرگ ایران در خیابان و جنگ اقتصادی، رویکرد جهانی به تعامل با ایران که در نشست‌های شانگهای و بریکس نمود یافته و نیز تدوین راهبرد مدیریت تنگه هرمز میان ایران و عمان بدون نقش آمریکا، دستاوردهای جبهه مقاومت نظیر کولاک انصارالله در برابر سعودی و مزدورانش تنها گوشه‌ای از اقتدار ایران و رسوایی شکست آمریکاست. جنگ رمضان به کشورها نشان داد که از یک سو آمریکا دیگر آن ادعای نظامی و اقتدار سیاسی و اقتصادی نیست و از سوی دیگر با همگرایی ملی می‌توان در برابر آمریکا ایستاد و تسلیم نشد. مواضع متحد دولت و ملت ایران در مخالفت با سیاست‌های ترامپ و نیز ناتوانی او برای تحمیل خواسته هایش به ایران گواهی براین درس آموزی است. امروز ایران نه درس عبرت برای سایر کشورها بلکه به الگویی مقتدر مبدل شده است که می‌رود تا معادلات جهانی را با دگرگونی‌های بسیار همراه سازد که نمود آن را در سفر ترامپ به ایرلند می‌توان مشاهده کرد.

---

## جنگ فیصله بخش

ادامه از صفحه اول

گام دوم راه یک آتش تهیه هوایی است را هم با توجه به ارتقاء پدافند هوایی ایران و ضرباتی که هواگردهای آن ها در زمین خورده است را هم مهیا نمی بینند.

گام سوم حمله که تدارک یک حمله زمینی در شمال غرب و جنوب شرق و نیز تصرف جزایر را هم ناکام یافته چون سطح آمادگی نیروی زمینی ایران که در جنگ تحمیلی و جنگ با داعش تست شده در اوج است.

گام چهارم که راه اندازی یک جنگ تبلیغاتی و شناختی و روانی را متزلزل می بینند. چون بیش از ۲۳۰ روز است مردم در کف خیابان ها به لعن و نفرین آن ها مشغول هستند و هیچ ترفند و دروغ و فریبی را برنمی تابند.

گام پنجم درجه تاب آوری مردم در برابر تهدیدها و تحریم هانه تنها کاهش نیافته بلکه دوچندان شده و علی رغم مشکلات مردم پای یک نبرد جانانه و مقاومت قهرمانانه ایستاده‌اند.

۵- راه تجاوز و جنگ افروزی بسته است. دشمن رفته سراغ مذاکرات، آنجا هم به در بسته خورده است. مذاکراتی در کار نیست. گفتگوها و چانه زنی هسته‌ای از فهرست مذاکرات حذف شده است. فقط بحث بازکردن تنگه مطرح است. آن هم با پیشنهاد مشخص ایران ۷ شرط ایران در ۷ روز عملیاتی شود تا ایران اجازه دهد تنگه با ترتیبات ایرانی باز شود. آمریکایی‌ها می‌گویند اگر ما این را بپذیریم به قول پروفسور جان مرشایمر سند شکست خود را امضا کرده‌ایم. تحقق آن ۷ شرط سند پیروزی ایران در نگاه جهانیان است.

دستگاه دیپلماسی ما می گوید همین است و بس!

۶- آشوب ، شورش و اغتشاش در پاریس و برخی کشورهای اروپایی به دلیل اوضاع بد اقتصادی و عدم تاب‌آوری مردم و برخورد خشن و سخت پلیس تا آنجا پیش رفته که در فرانسه حکومت نظامی اعلام شده است.

مکرون اعتراض مردم را به رسمیت شناخته و گفته مشکلات به دلیل بستن تنگه هرمزاست. مخالفان می گویند؛ تنگه باز بود شما با جنگ آن را بستید!

مردم می گویند قرار بود جنگ «منطقه‌ای» باشد الان جنگ «جهانی» شده است و ضرر آن روی زندگی مردم اروپا و آمریکا اثر گذاشته است.

اعتراض مردم به شدت سرکوب شده است. مردم در اروپا و آمریکا می گویند از گویش رهبران ما بوی «فاشیسم» و «استبداد» می‌آید. لذا مردم آمریکا با شعار «نه به پادشاه» دوباره به خیابان ها سرازیر شدند.

۷-ترامپ و نتانیاهو دنبال یک حمله نمادین به تأسیسات اتمی ایران و زیرساخت ها و نیز تکرار ترورهای دو جنگ قبلی هستند.

آن ها به جنگ محدود و کوتاه مدت فکر می کنند که بلافاصله اعلام کنند پیروز شدند و خود را از باتلاق جنگ با ایران و محور مقاومت بیرون بکشند.

نهاد اطلاعاتی دو کشور متجاوز و نهاد نظامی آن ها می گویند این کار عملی نیست. اما این دو تبهکار بین المللی معتقدند یک بار دیگر باید شانس خود را بیازماییم.

ناظران جهانی می گویند ترامپ و نتانیاهو اگر دنبال ماجراجویی باشند. جنگ آینده یک «جنگ فیصله بخش» خواهد بود. ایران و محور مقاومت بانک اهداف خود را تکمیل کردند و ضربات آینده آن ها غیرقابل پیش بینی الگوهای پیشرفته شلیک پهپادهای انتحاری و موشک های نقطه زن ایران و محور مقاومت جنگ را با پیروزی ایران و شکست مفتضحانه متجاوزان فیصله خواهند داد.

---

### سفر وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه به تهران در میانه جنگ منطقه‌ای، وضعیت تنگه هرمز و بازآرایی قدرت‌های بزرگ واکاوی شد

# معماری پساآمریکایی در دستور کار

**گروه سیاسی**

فرود هواپیمای سرگئی لاوروف در فرودگاه مهرآباد تهران در روز دوشنبه بیست و هفتم مهرماه هزار و چهارصد و پنج، صرفاً یک دیدار متعارف دیپلماتیک در تقویم روابط دوجانبه ایران و روسیه نبود. دیپلمات کهنه کار کرملین در حالی برای نخستین بار از فوریه سال دو هزار و بیست و پنج میلادی گام به پایتخت ایران گذاشت که منطقه غرب آسیا در کانون یکی از پیچیده‌ترین و التهاب‌آمیزترین ادوار تاریخی خود قرار گرفته است. سایه سنگین جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، گره کور امنیتی و اقتصادی در آبراه راهبردی تنگه هرمز، احتمال ازسرگیری درگیری‌های نظامی گسترده و در عین حال، تکاپوی پنهان و آشکار قدرت‌های بزرگ برای تعریف مجدد حوزه‌های نفوذ در نظم در حال گذار جهانی، به این سفر وزنی فراتر از بیانیه‌های رسمی بخشید. لاوروف در حالی در منامه، پایتخت بحرین و محل برگزاری نهمین نشست گفت‌وگوی راهبردی روسیه و شورای همکاری خلیج فارس، مستقیماً عازم تهران شد که در یک دست پرونده مطالبات و نگرانی‌های پایتخت‌های عربی را داشت و در دست دیگر، ایده بی‌سابقه‌ای را برای ترکیب طرح‌های مسکو، تهران و پکن جهت معماری امنیت جمعی خلیج فارس حمل می‌کرد؛ پیشنهادی که اکنون دستگاه دیپلماسی و ساختار تصمیم‌گیری ایران را در برابر یکی از سرنوشت‌سازترین دوراهی‌های راهبردی خود قرار داده است.

**دیپلماسی در میانه آتش؛ سه سطح تحلیل از یک سفر پرابهام**

برای درک دقیق و همه‌جانبه آنچه در جریان سفر بیست و هفتم و بیست و هشتم مهرماه سرگئی لاوروف به تهران گذشت، ناگزیریم سه لایه متمایز اما درهم تنیده را از یکدیگر تفکیک نماییم. لایه نخست، واقعیت‌های عینی و رخدادهایی است که در جریان مذاکرات فشرده وزیر خارجه روسیه با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، و مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، به وقوع پیوست. لایه دوم، اهداف، انگیزه‌ها و محاسباتی است که با تکیه بر شواهد موجود و تحرکات پیرامونی می‌توان به کرملین نسبت داد؛ و لایه سوم، پیامدها، مخاطرات و سناریوهایی است که هنوز در مرحله احتمال قرار دارند و تحقق آن‌ها در گرو کنشگری یا انفعال تهران در هفته‌های حساس پیش رو خواهد بود.

اهمیت زمانی این سفر زمانی روشن‌تر می‌شود که خط سیر حرکت لاوروف را به دقت مرور کنیم. او روز یکشنبه بیست و ششم مهرماه برابر با هجدهم اکتبر سال دو هزار و بیست و شش میلادی در منامه حضور یافت تا با وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به رایزنی بپردازد. تنها یک روز بعد، در نوزدهم اکتبر، او وارد تهران شد تا در دو سطح وزارتی و ریاست جمهوری، پرونده‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و بین‌المللی را روی میز بگذارد و در نشست خبری مشترک با همتای ایرانی خود، خطوط کلی دیدگاه مسکو را ترسیم کند. در روز بیست و هشتم مهرماه نیز گزارش‌های تکمیلی از نشست او با رئیس جمهور ایران منتشر شد که نشان می‌داد تمرکز اصلی تهران در بخش دوجانبه، عبور از کلی‌گویی‌های سیاسی و رسیدن به برنامه‌های اجرایی و جدول‌های زمان‌بندی شده در حوزه‌های حیاتی همچون انرژی، حمل و نقل، تجارت و تولید برق بوده است.

درک این سفر بدون لحاظ کردن هم‌زمانی سه تحول بنیادین ناممکن است. نخست، تداوم وضعیت جنگی و بن‌بست دیپلماتیک کنونی است که مسکو را بر آن داشته تا ضمن حفظ مناسبات راهبردی خود با تهران، جایگاه خویش را به عنوان بازیگری که توان شکل‌دهی به مسیر خروج از بحران را دارد، تثبیت کند. دوم، رایزنی هم‌زمان مسکو با دو سوی ساحل خلیج فارس است؛ پروازی که مستقیماً از بحرین به مقصد تهران انجام شد، به روشنی گواهی می‌دهد که مأموریت لاوروف یک رایزنی صرفاً دوجانبه نبوده، بلکه حلقه‌ای از زنجیره تلاش‌های روسیه برای اثرگذاری بر ترتیبات امنیتی کل منطقه محسوب می‌شود. سومین تحول نیز ضرورت تبدیل مشارکت راهبردی روی کاغذ به همکاری‌های ملموس اجرایی در روزگار تحریم و جنگ است. با این حال، یک تمایز کلیدی باید از همان ابتدا در ذهن تحلیلگران برجسته بماند و آن تفاوت میان اعلام موضع سیاسی با توافق‌های دارای ضمانت اجرایی است. تا تاریخ بیست و هشتم مهرماه، هیچ داده علنی و مستندی وجود ندارد که نشان دهد این سفر به توافقی جامع برای پایان‌بندی جنگ، ارائه تضمین‌های دفاعی تازه از سوی مسکو یا بسته مشخصی از کمک‌های نظامی جدید منجر شده است. سفر از حیث پیام سیاسی واجد معنایی عمیق بود، اما عیار راهبردی آن را تنها در میدان عمل می‌توان سنجید.

**از منامه تا تهران؛ کشمکش بر سر روایت بحران و پاسخ تند دیپلماسی ایران**

توالی حضور لاوروف در منامه و تهران، یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پیرامون این سفر را شکل داد؛ اینکه آیا فرستاده ویژه ولادیمیر پوتین حامل پیام مشخصی از سوی پایتخت‌های عربی یا حتی دولت ایالات متحده برای مقامات ایرانی بوده است یا خیر. در نشست منامه، شورای همکاری خلیج فارس موضعی اتخاذ کرد که در ادبیات دیپلماتیک می‌توان آن را یک پذیرش مشروط و توأم با فرافکنی نامید. جاسم البدیوی، دبیرکل این شورا، با تکرار ادعاهای امنیتی علیه تهران و بدون کمترین اشاره به اقدام غیرمشروع ایالات متحده در استفاده از خاک و پایگاه‌های کشورهای منطقه برای تجاوز نظامی به ایران، مدعی شد که از بیست و هشتم فوریه سال دو هزار و بیست و شش میلادی تاکنون، بیش از هفت هزار موشک و پهپاد منتسب به ایران، فرودگاه‌ها، بنادر، نیروگاه‌ها، تأسیسات آب شیرین کن و زیرساخت‌های نفت و گاز کشورهای عضو این شورا را هدف قرار داده‌اند.

بر پایه همین روایت یک‌سویه بود که کشورهای عربی جنوب خلیج فارس از روسیه به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستند تا از نفوذ خود بهره بگیرد و تهران را به توقف حملات، احترام به حاکمیت همسایگان، بازگرداندن آزادی ناوبری در تنگه هرمز، جبران خسارات وارده و اجرای کامل قطعنامه دو هزار و هشتصد و هفده شورای امنیت وادارد. آن‌ها حتی در بیانیه پایانی خود پا را فراتر گذاشته و خواهان آن شدند که برنامه هسته‌ای، توانمندی موشکی و حمایت تهران از گروه‌های مقاومت منطقه‌ای در هرگونه مذاکرات آتی گنجانده شود.

این موضع‌گیری با واکنش صریح و بی‌پرده دستگاه دیپلماسی ایران روبه‌رو شد. اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، ضمن تقدیر از رویکرد سازنده روسیه در تلاش برای کاهش تنش و تایید اینکه در مذاکرات تهران طیف وسیعی از مسائل از جمله بحران اوکراین، امنیت خلیج فارس و پرونده هسته‌ای بحث شده است، خطاب به مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس اظهار داشت که تهران انتظار دارد آن‌ها در این خرده فرمایشات خود اندکی تأمل کنند. بقائی با یادآوری تجربه بسیار تلخی که ایران پشت سر گذاشته است، تاکید کرد که تکرار گزاره‌های کلیشه‌ای نه نشانه حسن نیت است و نه کمکی به اعتمادسازی و اصول حسن همجواری می‌کند. به گفته سخنگوی دستگاه دیپلماسی، ایران در قبال رخدادهای اخیر بسیار بزرگوارانه رفتار کرده است، چرا که هم تهران و هم خود آن دولت‌ها به خوبی می‌دانند که از قلمرو و امکاناتشان برای تجاوز نظامی علیه ملت ایران استفاده و سوءاستفاده شده است؛ واقعیتی که نه یک ادعا، بلکه حقیقتی است که مقامات آمریکایی به عنوان طرف متجاوز در بالاترین سطوح به آن اذعان کرده و حتی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل نقش‌آفرینی در تسهیل حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران رسماً تجلیل به عمل آورده‌اند.

سیدعباس عراقچی نیز در نشست خبری مشترک با لاوروف، و در امتداد موضعی که پیش‌تر در دوم مردادماه هزار و چهارصد و پنج در حاشیه نشست شورای وزیران سازمان همکاری شانگهای در قرقیزستان اتخاذ کرده بود، خط قرمز روایی ایران را با صراحت ترسیم کرد. از نگاه تهران، ناامنی کنونی در خلیج فارس و تنگه هرمز معلول مستقیم تجاوز نظامی، بدعهدی و جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی است و تا زمانی که ریشه‌های این تجاوز خشکانده نشود و کشورهای همسایه مانع سوءاستفاده قدرت‌های فرامنطقه‌ای از خاک خود نشوند، نمی‌توان انتظار داشت که وضعیت کشتیرانی به شرایط پیش از جنگ بازگردد. برای مسکو، بازگشت تردد دریایی به وضعیت عادی بخشی از راه حل بحران است، اما برای تهران، رفع علل ناامنی، دریافت تضمین‌های معتبر برای جلوگیری از تکرار حملات و تامین حقوق و منافع ملی در اولویت مطلق قرار دارد.

در چنین فضایی، بررسی سه احتمال درباره حامل پیام بودن لاوروف نشان می‌دهد که اگرچه انتقال دغدغه‌های کشورهای عربی در چارچوب پیوستگی نشست منامه و تهران امری کاملاً طبیعی و منطبق بر منطق دیپلماتیک است، و اگرچه تلاش برای هماهنگی جهت جلوگیری از فوران مجدد جنگ با اظهارات علنی دو وزیر خارجه همخوانی دارد، اما هیچ سند علنی برای تایید اینکه لاوروف حامل یک بسته پیشنهادی رسمی و مکتوب از سوی واشنگتن بوده باشد، در دست نیست. مسکو بیش از آنکه نامه‌رسان کاخ سفید باشد، در پی حفظ کانال‌های ارتباطی خود با تمامی بازیگران متعارض است تا مانع از حذف خود از معادله ایران و ترتیبات فردای جنگ شود.

**کالبدشکافی طرح سه لایه مسکو و معمای امنیت درون‌زاد در برابر رویکرد پکن**

بخش مهمی از رایزنی‌های لاوروف در منامه و تهران به رونمایی مجدد و روزآمدسازی طرحی اختصاص داشت که مسکو سال‌هاست آن را تحت عنوان سند مفهوم تامین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس دنبال می‌کند و اکنون می‌کوشد آن را از یک ایده آرشیوی به یک پروژه فعال سیاست خارجی برای دوران پساآمریکایی تبدیل نماید. لاوروف در منامه تصریح کرد که حرف آخر درباره شیوه تضمین امنیت، باید کشورهای ساحلی خلیج فارس بزنند و در تهران نیز دکترین روسیه را بر پایه اعتمادسازی عینی و متقابل استوار دانست. اهمیت راهبردی این رویکرد برای ایران در آن است که برخلاف طرح‌های غربی و عربی که همواره ایران را به عنوان موضوع بحران و تهدید امنیتی صورت‌بندی می‌کنند، طرح مسکو جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از ستون‌های مشروع و بنیادین هرگونه معماری امنیتی در خلیج فارس به رسمیت می‌شناسد.

واکاوی جزئیات طرح پیشنهادی روسیه نشان می‌دهد که این ابتکار بر سه لایه مکمل استوار شده است. در لایه نخست که هسته اصلی طرح به شمار می‌رود، همکاری همه‌جانبه هشت کشور ساحلی خلیج فارس، یعنی ایران، عراق و شش کشور عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس تعریف شده است که با همسایگان نزدیک نظیر اردن نیز در تعامل قرار می‌گیرند. لایه دوم، سازوکارهای اعتمادسازی را در برمی‌گیرد که شامل توافق بر سر اصول مشترک، ترتیبات امنیتی، همکاری‌های نظامی، تبادل اطلاعات راهبردی و رعایت گام به گام دغدغه‌های امنیتی هر دولت است. در لایه سوم نیز یک حلقه حمایتی پیش‌بینی شده است که در آن نهادهایی همچون اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی و در صورت تمایل طرف‌ها، پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل مشارکت می‌کنند؛ اما نکته ظریف طرح مسکو آنجاست که این بازیگران بیرونی نه به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی، بلکه صرفاً در جایگاه تسهیل‌کننده ایفای نقش خواهند کرد.

در این میان، مقایسه رویکرد مسکو و پکن به امنیت آینده خلیج فارس، ظرافت‌های ژئوپلیتیکی مهمی را آشکار می‌سازد. هر دو قدرت شرقی بر مفهوم امنیت مشترک و مخالفت با اقدامات نظامی یک‌جانبه آمریکا تاکید دارند، اما مسیر عملیاتی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، در رایزنی‌های خود با عراقچی ضمن اذعان به اینکه معماری امنیتی کنونی خاورمیانه ناقص است و نیاز به اصلاح و ساختاری جدید، جامع، تعاونی و پایدار دارد، تمرکز اصلی پکن را بر جنبه‌های اقتصادمحور، حفاظت از جریان انرژی، بازگشایی تنگه هرمز و صیانت از زنجیره‌های تامین جهانی قرار داده است. اگرچه طرح چهارماده‌ای شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، که در اواخر فروردین ماه سال جاری ارائه شد، در کلیات شباهت‌های فراوانی با ایده مسکو دارد، اما فاقد آن جزئیات نهادی و گام‌های عملیاتی است که روسیه در سند امنیت جمعی خود گنجانده است.

نکته بسیار مهم دیگری که در سخنان لاوروف در تهران برجسته شد، استقبال مسکو از توافق موسوم به پیمان مکه میان پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه بود؛ جایی که وزیر خارجه روسیه اعلام کرد اگر ایران نیز پس از بررسی‌های خود تصمیم به پیوستن به چنین سازوکاری بگیرد، مسکو به تصمیم مستقل تهران احترام خواهد گذاشت.

**پالس راهبردی برای مثلث تهران، مسکو و پکن در برابر وسوسه واشنگتن**

فراتر از لایه‌های رسمی سفر، طلایی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین گزاره‌ای که سرگئی لاوروف در تهران بر زبان راند، تاکید صریح او بر امکان ترکیب طرح‌های مسکو، تهران و پکن برای تامین امنیت جمعی خلیج فارس و بازگرداندن صلح پایدار بود. شاید بتوان گفت این نخستین بار در تاریخ دیپلماسی معاصر است که روس‌ها با چنین صراحت و وضوحی از امکان تاسیس یک سازوکار مذاکراتی سه‌جانبه میان ایران، روسیه و چین برای تعیین نظم آینده خاورمیانه سخن می‌گویند؛ هرچند پیش از این بارها به صورت تلویحی چنین سیگنال‌هایی را مخابره کرده بودند.

با این حال، در ورای این پیشنهاد راهبردی، یک واقعیت تلخ و چالش‌برانگیز در فضای سیاست داخلی و دیپلماتیک ایران خودنمایی می‌کند. تجربه ماه‌های گذشته نشان داده است که پکن و مسکو بارها چه برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن و چه برای ترسیم نظم جدید امنیتی در غرب آسیا اعلام آمادگی کرده‌اند، اما پاسخی که از برخی سطوح در تهران دریافت کرده‌اند، چیزی فراتر از تعارفات دیپلماتیک یک بار مصرف و فاقد مابه‌ازای عملی نبوده است. در تحلیل چرایی این انفعال، نمی‌توان از نقش جریانی چشم‌پوشی کرد که اساساً مطلوب خود را در به نتیجه نرسیدن مسیر پکن و مسکو می‌بیند. از منظر این جریان فکری و سیاسی، تمامی مناسبات باید به گونه‌ای مدیریت و هدایت شود که مسیر همکاری راهبردی با روسیه و چین به یک بن‌بست کامل برخورد کند و تصویری تیره، سیاه و ناامیدکننده از تعامل با شرق در برابر دیدگان مقامات عالی نظام ترسیم شود.

هدف غایی چنین رویکردی، کشتن زمان است؛ به این امید که با فرسایش زمان، افزایش فشارهای اقتصادی درونی و تصاعد التهابات اجتماعی، زمینه برای تحمیل فشار جهت پذیرش مذاکرات جامع و مستقیم با ایالات متحده فراهم گردد؛ مذاکراتی که دیگر محدود به پرونده هسته‌ای نخواهد بود و توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز به حراج خواهد گذاشت. برای حاملان این تفکر که تمام راه‌های جهان را ختم شده به واشنگتن می‌پندارند، این پرسش که آیا دونالد ترامپ اساساً شخصیت قابل اعتمادی است یا نه، و آیا لابی صهیونیستی هرگز اجازه انتفاع اقتصادی ایران از یک توافق احتمالی را خواهد داد یا خیر، کمترین اهمیتی ندارد. برای آن‌ها صرف نشستن پای میز مذاکره با آمریکا یک دستاورد بزرگ تلقی می‌شود، حتی اگر خروجی نهایی آن به سرنوشتی مشابه ونزوئلا و تاراج منابع ملی کشور منتهی گردد؛ و دقیقاً به همین دلیل است که از نگاه آنان، هر مسیر جایگزینی از جمله مثلث تهران، مسکو و پکن باید در نطفه خفه شود.

اما تحولات کلان بین‌المللی نشان می‌دهد که جهان معطل این محاسبات خطی نمی‌ماند. هم‌زمان با پیشنهاد لاوروف برای بازمعماری امنیتی خلیج فارس، ولادیمیر پوتین نیز پیشنهاد حل و فصل بحران اوکراین را در قالب سه جانبه روسیه، چین و آمریکا مطرح کرده است. وقتی این دو رخداد هم‌زمان را در کنار معامله دیزل، پیشنهاد میانجیگری پوتین به مسعود پزشکیان و تماس تلفنی رئیس جمهور روسیه با دونالد ترامپ درباره پرونده جنگ ایران قرار می‌دهیم، یک تصویر کلان ژئوپلیتیکی نمایان می‌شود. از دیدگاه کرملین، سطح التهاب در فضای بین‌الملل به نقطه‌ای رسیده که ترامپ را به شدت نگران پیامدهای ویرانگر آن بر اقتصاد آمریکا کرده است. از همین رو، رئیس جمهور آمریکا آمادگی دارد تا در قالب معاملات کلان در سطح قدرت‌های بزرگ، پرونده دست کم یکی از این جنگ‌ها را ببندد تا از پیچیدگی و بار بحران‌ها بکاهد.

اینکه پوتین بتواند پرونده اوکراین را در سطح قدرت‌های بزرگ حل کند یا نه، در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ مسئله نخست و بنیادین آن است که در سطح کلان جهانی، مناسبات جدیدی در حال تکوین است و زمینه‌ها برای تعریف مجدد حوزه‌های نفوذ قدرت‌های بزرگ در دو منطقه حیاتی یوروآتلانتیک و خاورمیانه، و شاید در گام بعدی در آسیاپاسیفیک، فراهم شده است. در چنین بزنگاهی، تهران ناگزیر است خود را با این واقعیات نوپدید بازتنظیم کند.

**نقشه راه ایجابی تهران؛ دوازده الزام راهبردی برای بازی در زمین قدرت‌های بزرگ**

اگر تهران بخواهد از لاک انفعالی خارج شده و پالس سرگئی لاوروف را به یک فرصت تاریخی برای پایان دادن به جنگ و تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود تبدیل کند، نیازمند یک دکترین ایجابی و فعال است. نخستین الزام در این مسیر، درک آمادگی پکن است. سخنان اخیر شی جین پینگ در اجلاس بریکس و سیگنال‌های دریافتی از وزیر امور خارجه چین گواهی می‌دهد که پکن نیز کم و بیش برای ورود به نظم منطقه‌ای غرب آسیا و میانجیگری میان تهران و واشنگتن آماده شده است؛ بنابراین تهران باید هوشمندانه از مسکو بخواهد که پکن را برای شکل‌دهی رسمی به فرمول سه‌جانبه متقاعد سازد.

در گام دوم، باید این توهم را کنار گذاشت که صرف واسطه قرار دادن چین یا روسیه برای مذاکره با آمریکا قرار است برای ایران معجزه کند. هیچ یک از این دو قدرت به تنهایی نمی‌توانند میانجی مناسبی میان ایران و آمریکا باشند، چرا که در حالت دوجانبه، پرونده ایران از ماهیت چندجانبه خود خارج شده و به جزئی از بده‌بستان‌های دوجانبه مسکو با واشنگتن یا پکن با واشنگتن تقلیل می‌یابد. هنر دیپلماسی ایران باید آن باشد که بر مبنای خطوط قرمز خود و در نسبت‌یابی دقیق با ابتکار امنیت جمعی روسیه و ابتکارهای جهانی چین شامل ابتکار امنیت جهانی، ابتکار توسعه جهانی و طرح چهارماده‌ای شی، یک طرح جامع بومی تدوین کرده و آن را در نشست‌های کارشناسی به طرح مشترک و واحد مسکو، تهران و پکن تبدیل نماید. انفعال و انتظار برای اینکه روس‌ها و چینی‌ها خودشان نسخه‌ای برای خلیج فارس یا منازعه ایران و آمریکا بپیچند، قطعاً به زیان و شکست ایران تمام خواهد شد.

الزام سوم، واقع‌بینی درباره منافع ملی رقبا و متحدان است. هم چین و هم روسیه به دنبال منافع خویش هستند و به طور مشخص، مسکو تمایل شدیدی دارد تا در پرونده اورانیوم غنی‌شده ایران نقشی کلیدی ایفا کند و از آن به عنوان اهرمی قدرتمند در معادلات جنگ اوکراین بهره ببرد. تهران باید با تکیه بر تغییر دکترین هسته‌ای خود، با مسکو و پکن به فرمولی برسد که بر منطق آخرین انعطاف هسته‌ای و ماشه بزرگ هسته‌ای استوار باشد. در این چارچوب جدید، ایران تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای، انتقال به خارج یا رقیق‌سازی یک جای ذخایر اورانیوم، و یا بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شیوه‌های منسوخ پیشین را بپذیرد.

چهارمین محور کلیدی در معماری امنیت خلیج فارس، گره زدن هرگونه توافق به تعطیلی کامل یا دست کم تعدیل معنادار پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه است؛ مطالبه‌ای که با مواضع اعلامی چین و روسیه در مخالفت با حضور نظامی فرامنطقه‌ای در غرب آسیا کاملاً همپوشانی دارد. در محور پنجم، تهران باید از مواضع مستحکم اخیر پکن علیه توسعه‌طلبی‌های اسرائیل، حساسیت بالای چینی‌ها نسبت به همکاری‌های نظامی تل‌آویو و تایوان، و همچنین نگاه مثبت پکن به پیمان مکه بهره‌برداری کرده و با چین درباره ماهیت این پیمان و راهکارهای مهار اسرائیل به یک هم‌داستانی راهبردی برسد.

ششمین الزام به معادله تنگه هرمز بازمی‌گردد. تهران باید فرمولی دوگانه طراحی کند که در بعد امنیتی، کنترل کامل تنگه را در دست نیروهای مسلح ایران نگه دارد و همچون ماه‌های گذشته مانع از ورود و عبور کشتی‌های نظامی متخاصم شود؛ اما در بعد اقتصادی، از طریق یک معامله هوشمندانه با کشورهای جنوب خلیج فارس و تقسیم منافع میان ساحل شمالی و جنوبی، در قالب ارائه خدمات لجستیکی و دریایی به کشتی‌های عبوری و نه لزوماً دریافت عوارض مستقیم، منافع اقتصادی بلندمدت و پایداری را برای کشور رقم بزند. در همین راستا به عنوان محور هفتم، در هرگونه نظم امنیتی آینده، وضعیت امارات متحده عربی باید به صورت ویژه تعیین تکلیف شود؛ به گونه‌ای که پایان کامل ادعاهای ارضی بی‌اساس ابوظبی علیه جزایر ایرانی و کاهش محسوس سطح حضور رژیم صهیونیستی در این کشور به عنوان پیش‌شرط تثبیت گردد.

محور هشتم، مساله پایان‌بندی جنگ و تضمین‌هاست. ایران می‌تواند بر شروط کنونی خود برای توقف درگیری‌ها پایبند بماند، اما باید با مشارکت چین و روسیه سازوکاری عینی برای پوشش دادن ریسک عهدشکنی‌های محتمل آمریکا طراحی کند. این پوشش ریسک، هم شامل بازگشت تحریم‌هاست و هم شامل احتمال حمله نظامی مجدد آمریکا یا اسرائیل به ایران؛ رخدادی که در صورت وقوع، حرکت ایران به سمت دکترین بازدارندگی نهایی و سلاح اتمی را به یک احتمال جدی در معادلات تبدیل خواهد کرد.

نهمین و دهمین نکته، هوشیاری در برابر تقویم سیاسی آمریکاست. بعید نیست که در محاسبات مسکو، وسوسه انجام یک معامله بزرگ پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا برای خدمت به کمپین انتخاباتی جمهوری‌خواهان وجود داشته باشد؛ تهران باید با چشمانی باز مراقب باشد که بازیچه چنین سناریویی نشود. در عین حال، از آنجا که دونالد ترامپ و شی جین پینگ به زودی در ماه نوامبر سال دو هزار و بیست و شش در حاشیه اجلاس سران همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه موسوم به اپک در شهر شنژن چین با یکدیگر دیدار خواهند کرد، زمان‌بندی دیپلماتیک تهران باید به گونه‌ای تنظیم شود که پیش از نشست شنژن، طرح‌های مشترک ایران، چین و روسیه به یک خروجی اولیه و قابل دفاع رسیده باشد. گذر زمان دیگر به نفع تهران نیست و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک فاقد نظریه مشخص برای پایان‌بندی جنگ و رد کردن پیشنهادها از موضع صرفاً سلبی، راه به جایی نخواهد برد.

**آزمون واقعیت در اقتصاد و انرژی؛ از بازگشت متخصصان بوشهر تا ماراتن توافق‌های روی کاغذ**

در کنار پرونده‌های کلان امنیتی، سفر لاوروف به تهران عرصه سنجش عیار عملی همکاری‌های دوجانبه در روزگار جنگ نیز بود. مسعود پزشکیان در دیدار با وزیر خارجه روسیه، انگشت را دقیقاً بر نقطه ضعف سنتی روابط تهران و مسکو گذاشت و بر ضرورت تعیین گام‌های عملیاتی و جدول زمان‌بندی روشن برای اجرای توافقات پیشین در حوزه‌های انرژی، حمل و نقل، تجارت و تولید برق تاکید ورزید. در مقابل، لاوروف نیز اطمینان داد که مسکو در شرایط دشوار کنونی قصد عقب‌نشینی از توافق‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری با ایران را ندارد.

آمارهایی که وزیر خارجه روسیه در تهران ارائه کرد، در نگاه نخست امیدوارکننده به نظر می‌رسد؛ افزایش بیست و یک درصدی حجم تجارت دوجانبه در سال گذشته میلادی و ثبت رشد بیش از ده درصدی در هشت ماه نخست سال جاری میلادی، نشان می‌دهد که چرخ مبادلات تجاری علی‌رغم سایه جنگ و تحریم‌ها همچنان در حال چرخش است. با این حال، یک ارزیابی دقیق اقتصادی نمی‌تواند به درصدهای رشد بسنده کند. برای داوری واقع‌بینانه باید حجم مطلق مبادلات، تراز تجاری، ترکیب کالاهای صادراتی و وارداتی، میزان سرمایه‌گذاری‌های بالفعل شده در میادین نفت و گاز، تکمیل حلقه‌های مفقوده کریدور شمال به جنوب، ترتیبات دریای خزر و از همه مهم‌تر، گره‌های کور بانکی، تسویه حساب‌های مالی و بیمه حمل و نقل را زیر ذره‌بین برد.

یکی از ملموس‌ترین خبرهای این سفر که بار سیاسی و فنی توأمان داشت، اعلام بازگشت تدریجی متخصصان روس به نیروگاه اتمی بوشهر از زبان سرگئی لاوروف بود. این اقدام در سطح فنی و اقتصادی به معنای استمرار نگهداری، بهره‌برداری و پیشبرد پروژه‌های هسته‌ای غیرنظامی و تولید برق است و در سطح سیاسی و راهبردی، پیامی به واشنگتن و تل‌آویو مخابره می‌کند مبنی بر اینکه مسکو حتی در میانه تهدیدات نظامی نیز زیرساخت‌های راهبردی مشترک با ایران را رها نمی‌کند. البته تحلیلگران به درستی هشدار می‌دهند که بازگشت تدریجی نیروها را نباید به معنای عادی شدن کامل شرایط امنیتی و فنی در بوشهر یا آغاز قطعی فازهای جدید تلقی کرد، بلکه باید منتظر ماند و دید دامنه فعالیت و تعداد این متخصصان در ماه‌های آینده به چه سطحی خواهد رسید.

همچنین دو طرف بر تقویت هماهنگی‌های خود در سازمان ملل متحد و نهادهای چندجانبه‌ای همچون گروه بریکس، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تاکید کردند. اگرچه عضویت مشترک در این باشگاه‌های غیرغربی ظرفیت بالایی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و توسعه شبکه‌های ترانزیتی و مالی مستقل ایجاد می‌کند، اما نباید فراموش کرد که حضور در این نهادها به معنای همسانی مطلق منافع تهران و مسکو نیست و تبدیل بیانیه‌های مشترک به سپر دیپلماتیک و اقتصادی، نیازمند پیگیری مستمر و تعریف پروژه‌های برد-برد است.

**تنگناهای کرملین و سه سناریوی پیش رو در افق خاورمیانه**

جمع‌بندی تمامی ابعاد پیدا و پنهان سفر سرگئی لاوروف به تهران نشان می‌دهد که کرملین در این ماموریت پنج هدف مشخص را دنبال می‌کرده است؛ جلوگیری از حذف روسیه از معادلات ایران و ترتیبات پساجنگ، تثبیت جایگاه مسکو به عنوان میانجی معتبر میان تهران، واشنگتن و پایتخت‌های عربی، حفاظت از منافع اقتصادی و شبکه‌های ترانزیتی خود در جغرافیای ایران، تقویت اهرم‌های دیپلماتیک در برابر غرب و نهایتاً پیشبرد پیوندهای ژئواکونومیک در اوراسیا. از همین دریچه، سفر لاوروف چهار پیام هم‌زمان را به چهار مخاطب ارسال کرد؛ به تهران اطمینان داد که در شرایط جنگی تنها نخواهد ماند، به واشنگتن یادآوری کرد که بدون مسکو نمی‌توان پرونده ایران را بست، به کشورهای عربی خلیج فارس نشان داد که روسیه شریکی متوازن برای هر دو سوی خلیج فارس است، و به قدرت‌های جهانی پیام داد که بحران ایران بخشی جدایی‌ناپذیر از معادلات امنیت انرژی و نظم نوین جهانی است.

اما در سوی دیگر میدان، مسکو با پنج محدودیت ساختاری و جدی نیز روبه‌روست که مانع از پرواز بلندپروازانه طرح‌هایش می‌شود. نخست، شکاف عمیق میان حمایت سیاسی و تعهد امنیتی است؛ روسیه آماده رایزنی دیپلماتیک است اما وارد جنگ مستقیم به نفع ایران نمی‌شود. دوم، الزام مسکو به حفظ روابط نزدیک با کشورهای عربی تولیدکننده نفت در جنوب خلیج فارس است که در نقاطی با منافع امنیتی ایران اصطکاک پیدا می‌کند و مانع بزرگ بی‌اعتمادی شورای همکاری به تهران را پیش پای طرح روسیه می‌گذارد. سوم، فرسایش و تمرکز منابع نظامی، مالی و دیپلماتیک روسیه در جبهه اوکراین است. چهارم، موانع اجرایی و تحریمی بر سر راه پروژه‌های اقتصادی است و پنجم، تفاوت دیدگاه‌ها و منافع دو کشور در برخی پرونده‌های منطقه‌ای است که ایجاب می‌کند به جای استفاده از تعابیر احساسی همچون اتحاد استراتژیک بی‌قید و شرط، هر پرونده بر اساس منافع متقابل رصد شود.

با این اوصاف، پیامدهای این سفر در کوتاه‌مدت یعنی در افق روزها و هفته‌های آینده، به تثبیت کانال‌های رایزنی سطح بالا و کاهش ابهامات دیپلماتیک منجر خواهد شد، بی‌آنکه به خودی خود خطر حمله نظامی را به صفر برساند. در میان‌مدت یعنی در مقیاس هفته‌ها تا ماه‌ها، عیار واقعی سفر در سرعت اجرای پروژه‌های انرژی و حمل و نقل، وضعیت نیروگاه بوشهر و شکل‌گیری نشست‌های کارشناسی امنیتی سنجیده می‌شود؛ و در بلندمدت، جایگاه ایران و روسیه در معماری جدید منطقه را رقم خواهد زد.

در افق پیش رو، سه سناریو بیش از همه قابل تصور است. سناریوی نخست، گسترش همکاری‌های عملی و شکل‌گیری میانجیگری فعال و سه‌جانبه با حضور چین است که نشانه آن تدوین برنامه‌های زمان‌بندی‌شده و ابتکارهای مشترک پیش از نشست نوامبر در شنژن خواهد بود. سناریوی دوم، تداوم وضع موجود یعنی حمایت‌های سیاسی و بیانیه‌ای بدون وقوع یک جهش راهبردی است؛ حالتی که در آن به دلیل مقاومت‌های درونی، کارشکنی غرب‌گرایان یا تعارض منافع بازیگران منطقه‌ای، دستاوردها در سطح حرف باقی می‌ماند. سناریوی سوم نیز تشدید دوباره بحران و ازسرگیری درگیری‌های نظامی است که در آن صورت، فضای مانور دیپلماتیک مسکو به شدت محدود خواهد شد. آنچه مسلم است، سفر لاوروف توپ را در زمین طراحی راهبردی تهران انداخته است؛ اکنون این تصمیم‌سازان ایرانی هستند که باید انتخاب کنند آیا با ابتکار عمل ایجابی، واسطه‌های شرقی را در خدمت منافع ملی و معماری امنیتی مطلوب خود به بازی می‌گیرند و یا در غبار تردید و انتظار، نظاره‌گر سوختن فرصت‌ها در کوره تحولات پرشتاب جهانی خواهند بود.

---

کارت پلاک خودروی کامیونت ون زامیاد Z٢٤NI به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۹۸ به نام یاسر سیاه برسیب به شماره انتظامی ۸۷۲ن۲۳-ایران۹۵ به شماره موتور Z٢٤٨٣٧٧٧٢Z و شماره شاسی NAZPL١٤٠TL٠٥٧٨٣٣٠ به علت سهل انگاری مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت ( برگ سبز) خودروی کامیونت ون زامیاد Z٢٤NI به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۹۷ به نام بی غم گمشادزهی به شماره انتظامی ۳۹۵ س۸۹- ایران ۹۵ به شماره موتور Z٢٤٧٧٠٢٤٥Z و شماره شاسی NAZPL١٤٠TJ٠٠٥٠١٨٨ به علت سهل انگاری مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز- کارت پلاک خودروی کامیون ون زامیاد Z٢٤NI به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۹۸ به شماره موتور Z٢٤٨٢٠٣٩٩Z و شماره شاسی NAZPL١٤٠TL٠٠٥٩١٦٠ به شماره انتظام ۵۹۹ و۲۹-ایران ۱۷ به نام سمیه محمد زاده مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس به رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور ٢٢٥٢٨٠٠٧٤٠١ و شماره شاسی ٨٠٣٠٧٥٨١ به شماره انتظامی ٦١٦ س٥١- ایران ٥٩ به نام مصطفی رمضان قربانی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی وانت تویوتا استاوت ۲۰۰۰ مدل ۱۹۸۰ به رنگ آبی روغنی به شماره موتور ٥R١٩٥٣٨٦٤ و شماره شاسی RK١١٠٠٢٥٤٤١ به شماره انتظامی ٣٥٨ ع ٢٥- ایران ٥١ به نام عبداله صالحیان مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز- کارت خودروی سواری پژو پاری ئی ال ایکس مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ١٢٦٨٨٠٠١٤٧٩ و شماره شاسی NAAN٤١DC٠AE٦٠٢٦٥٨ به نام مهدی خاک تاریک به شماره انتظامی ٥٥٨ س٢٤- ایران ٧٤ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ زرد قرارداد اجاره عرصه از اراضی ۲۰۰۰ هکتاری شهرداری چابهار یک قطعه زمین بمساحت ۳۰۰ متر مربع واقع دربخش ١٦ شهرستان چابهار به شماره قرارداد ٧٩٨٩/الف مورخ ١٣٩٨/٤/١٧ به نام بی بکر آرزم مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ زرد قرارداد اجاره عرصه از اراضی ۲۰۰۰ هکتاری شهرداری چابهار یک قطعه زمین بمساحت ۳۰۰ متر مربع واقع دربخش ١٦ شهرستان چابهار به شماره قرارداد ٢٤٠٣٢/الف مورخ ١٣٨٦/١١/٢٠ به نام آچار نوکرزهی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ GLX -XU٧ مدل ۱۳۹۷ به شماره موتور ١٢٤K١٢٣٢٧٩٦ و شماره شاسی NAAM٠١CE٠JK٣٨٣٤١٨ به شماره انتظامی ٦٩٢ س٨٦ – ایران ٩٥ به نام جواد قریشیان مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز(سند) خودرو سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس ای ١/٨ مدل ١٣٨٧ رنگ نقره‌ای-متالیک موتور ١٢٤٨٧٠٢٨١٣٧ شاسی NAMM٠١CA٣٨E٣٥٥٤٢٩ پلاک ٨٥ ایران ٢٩٢ ج ٧٨ کد ملی ٣٦٢١٣٩٨٤٨١ بنام حسنعلی شیرزائی مفقود واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودروی سواری پژو ٤٠٥ GLX – XU٧ مدل ١٣٩٥ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ١٢٤K٠٨٠٣٤٤٠ و شماره شاسی NAAM٠١CE٧GK٤٠٣٧٥٤ به شماره انتظامی ٤٥٧ د٥٦- ایران ٩٥ به نام شعیب شهنوازی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پژو سواری ٤٠٥ مدل ١٣٨٨ به شماره پلاک ٧٢-١٤٩ط٩٦ و شماره موتور ١٢٤٨٨١٠٨٨١٤ و شماره شاسی NAAM١١CA٦٠K٠٦٧٧٢٣ به نام رضا فرنیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو جک سواری J٤- CVT مدل ١٤٠٢ به شماره پلاک ایران ٧٢- ٦٣٧ط ٢٩ و شماره موتور HFC٤GB٢٣DP٠٠١٠١٥٣ به شماره شاسی NAKNF٧٥٢٣PB١٢٤٠٤٢ به نام سپیده حیدرزاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت خودرو دنا مدل ١٣٩٦ به شماره پلاک ١٥٥ج٥٨ ایران٦١ و شماره موتور ١٤٧HO٣٤٢٦٧٨ به شماره شاسی NAAW٢١HU٧HE٤٩٠٠٢٦ به نام نیلوفر لک مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و سند مالکیت راهور (برگ سبز) وانت نیسان به شماره انتظامی ٣٤٩ق١٧ ایران ٢٣ به شماره موتور ٣٨٥٩٨٥ به شماره شاسی K٠٦٣٧٨٨ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری سمند LX به شم اره انتظامی ٨٦٥ب٧٢ ایران ٧٢ به شماره موتور ١٢٤٨٩٢٣١٦٧٤ و شماره شاسی NAACA١CB٣BF٢٣١٧٣٠ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) موتورسیکلت سوریا ١٢٥ به شماره انتظامی ٣٨٨٧٨-٥٩١ ایران و شماره موتور ٠١٢٤N٤٥١٠٠١٥٠ و شماره تنه N٤٥S١AKCDRFC٠٠٤٨٨ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) کامیون باری چوبی بنز به شماره انتظامی ٨٩٨ع١٥ ایران ٦٢ به شماره موتور ١٠٠٤٧٩٨١ و شماره شاسی ١٦٥٦٨٣٠١ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری جک S٥ به شماره انتظامی ٤٥٣ط ٥٦ ایران ٧٢ به شماره موتور HFC٤GA٣١DG٠٠٠٤٤٢٨ شماره شاسی NAKSH٧٣٢٥GB١٢٩٥٦٣٠ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) سواری پراید به شماره انتظامی ٧١٤د٨٦ ایران ٨٢ به شماره موتور ٠٠٧٠٦٣٧٩ شماره شاسی S١٤١٢٢٨٣٢٣٥٥٦١ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی تسلسل اسناد و سند مالکیت راهور (برگ سبز) دوو CLO به شماره انتظامی ٢٦٢ه٣٢ ایران ٧٤ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ کمپانی خودرو ام وی ام X٣٣ مدل ١٣٩٥ رنگ سفید روغنی با شماره موتور MVM٤٨٤FBDG٠٠٥٩٩٢ و شماره شاسی NATGBAYL٠G١٠٠٥٨٨٥ به شماره پلاک ٢٧٩م٧٧ ایران ٣٨ به نام منیر جعفر صالحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز وانت آریسان مدل ١٣٩٥ به رنگ مشکی متالیک به شماره انتظامی ٤٣٨ج٢٤ ایران٣٠ به شماره موتور ١١٨J٠٠٠٧٣٤٧ شماره شاسی ٥١٠١٨١ به نام امیرشهرام کربلایی علی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز و کارت سواری ام وی ام ٥٣٠ مدل ١٣٨٩ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ٧٤٤و٢٢ ایران ٤٣ و شماره موتور MVM٤٨٤FFFA٠٠١٧٠٢ شماره شاسی ٧٩١٠٠١٧٩٧ به نام سیدابراهیم میرحسینی بیدگلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری کوییک مدل ١٤٠٣ به رنگ سفید مشکی به شماره انتظامی ٦٦٩د٩٨٥ ایران٦٠ به شماره موتور M١٥١٥٢٦٤٠٦٩ شماره شاسی ١٢٧٠١٣٣ به نام احمد ساسان کارسیدانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو) و سند کمپانی (مادر) سواری پژو ٤٠٥ جی ال ایکس آی ٨i مدل ١٣٨٣ به رنگ مشکی متالیک به شماره انتظامی ٦١١ب٩٥ ایران ١١ به شماره موتور ١٢٤٨٢٠٣٧٧٧٦ به شماره شاسی ٨٢٠٥٦٨٤٤ به نام علیرضا مسعودی همت آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه مدارک سند کمپانی برگ سبز و کارت ماشین و کارت سوخت و گواهینامه و شناسنامه مالکیت خودرو بارکش زامیاد به رنگ سفید مدل ١٤٠٢ به شماره پلاک ایران ٦٩- ٤٣٦ص٧٤ به شماره موتور M٢٤٩٦٣٣٩٢M و شماره شاسی NAZPL١٤٠BP٠٧٤٣٥٨٦ به نام آقای جابر گیلکی فرزند رمضان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) خودروی سواری پژو تیپ PARS XU٧ مدل ١٣٩٢ به رنگ خاکستری متالیک به شماره شاسی NAAN٠١CA٩DR٦٤٧٦٤٣ به شماره موتور ١٢٤K٠١٨٥٤٦٩ به شماره پلاک ایران ٦٩- ٢٣٣و٩٨ به نام جعفر کاسب مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) خودروی سواری رانا تیپ RANNAPLUSTU ٥P -MTS مدل ١٤٠٥ به رنگ سفید روغنی و به شماره موتور ١٨٨B٠١١٥٣٠٢ و شماره شاسی NAAU٧١H٥FTYR١٥٧١٠ و شماره پلاک ایران ٦٩- ٦٤٩و٤٥ به نام حمیده خرمالی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (سند مالکیت) خودروی سواری هاچ بک سایپا تیپ ١١١EX مدل ١٣٩٢ به رنگ سفید به شماره شاسی NAS٤٣١١٠٠D٥٧٤١٣٩٠ به شماره موتور ٤٨٨٤٩١٩ به شماره پلاک ایران ٥٠- ٥٩٣م١١ به نام حامد لطیف علی آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری هاچ بک سیستم PEUGEOT تیپ ٢٠٧i TU٣ مدل ١٤٠٥ به رنگ سفید به شماره موتور ١٦٥A٠٢٧٦٤٠٣ به شماره NAAR٦٣HMFTDP٣٣٤٠٦ به شماره پلاک انتظامی ایران ٩٨- ٨٥٤ط ٥٨ و به نام مالک نازپری شهنوازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پژو ٤٠٥ مدل ١٣٩٠ رنگ نقره‌ای به شماره انتظامی ٨١٦ه٨٨٥ ایران ٥٣ به شماره موتور ١٢٤٩٠٢٥٠٨٢٩ شماره شاسی ٤٧٥٨١٢ به نام عبدالرضا موبدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

خانم فروغ علیاری فرزند عادل دارنده کد ملی ٢٧٤٠٢٨٥٩١٤ صادره از ارومیه و متولد سال ١٣٦٩ اظهار می‌دارند دانشنامه دائم به شماره ٨٩١٨١٠٤١١٤ مورخ ١٣٩٨/٩/٢ ایشان مفقود گردیده است لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال می شود از یابنده خواهشمند است مدارک فوق را به معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز تسلیم نماید.

اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری سیستم رنو تیپ مگان مدل ٢٠٠٧ به رنگ نقره ای روشن متالیک به شماره موتور K٤MC٨١٣R٠٠٩٧٤٣ به شماره شاسی VF١FB٢٧١٠٧R٥٦٥٥٠٠ به شماره پلاک انتظامی اروند ٣٣- ٩١٤٧٢ و به نام مالک امین شوشتری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

به استحضار می رساند فاکتور بلوک سیلندر به شماره ١٤٠١٠٣٧٥٨٧٧ مربوط به موتور شماره ١٢٤٨٢٠٤٦٩١١ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

**آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کویر جاجرم به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۱۲۲۰۰ وبه شماره ثبت ۱۲۹۶۴۵ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای امیر تیمور تاش به شماره ملی ۰۰۱۷۰۷۴۶۴۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۱۴ آقای محمدرضا تیمور تاش به شماره ملی ۰۷۵۹۷۰۹۵۵۶ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۱۴ خانم هما شفیع آبادی به شماره ملی ۰۷۵۹۷۱۴۳۱۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۱۴ آقای هادی برزوئی به شماره ملی ۰۷۹۳۸۵۷۱۶۳ به سمت مدیر عامل ( خارج از اعضا ) تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۱۴ انتخاب گردیدند. امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور از قبیل چک و سفته و بروات و قرار دادها و عقود اسلامی با امضای هر یک از از اعضای هیئت مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت و نامه های عادی اداری با امضای هر یک از اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۲۳۰۵۰۵۰)**

کارت ماشین خودرو لوگان L٩٠ مدل ١٣٩١ رنگ سفید روغنی با شماره موتور D٢٠٣٨٦٢ شماره شاسی NAPLSRALDA١١٧٢٩٨٨ به شماره پلاک ٣١ ه ٣٥٤ ایران ٦٨ به نام جعفر نخبه زارع مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند وانت یخچالدار زامیاد مدل ١٣٩٥ به شماره انتظامی ٦٩- ٦٥٨د٦٩٥ و شماره موتور Z٢٤٧٢٥٩٤٠Z به شماره شاسی NAZPL١٤٠BG٠٤٦٠٨٩٧ به مالکیت محمد مازندرانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند موتورسیکلت انژکتوری کبیر مدل ١٤٠٣ به شماره انتظامی ٠٩٧- ٨٨٥٧٣ به شماره موتور ٠١٩٨NCV٣٧١٠٣٢ به شماره تنه NCVFTKKER١F٥٢٢٣٦ به مالکیت محمد عظیم عظیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری هاچ بک سیستم پارس خودرو مدل ١٣٩٧ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور BM١٥LH٠٣٧٤٩٩ به شماره شاسی NAPH٢٢٠AAJ١٠٠٧٢٦٤ به شماره پلاک انتظامی ٤٢٢ص٥٩ ایران ٣٣ به نام معصومه میرزایی بلتیجه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو وانت سیستم پیکان تیپ ١٦٠٠i به رنگ سفید روغنی مدل ١٣٨٦ به شماره نیروی انتظامی ٧٢- ٤٢٩ص٤٥ و به شماره موتور ١١٢٨٥٠٦٦٠٥٥ شماره شاسی ٣٠٥١٣٤٤٥ به نام معصومه اسحق نیموری کد ملی ٦٢٦٩٩٧٧٤٧٩ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی کامیونت ون سیستم زامیاد مدل ١٤٠٠ به شماره پلاک ٩٦٢ص٥٧ ایران ٥٩ به شماره موتور M٢٤٨٥٧٤٢٣M شماره شاسی NAZPL١٤٠TM٠٥٩٦٧٦٨ به نام حمیدرضا شاهینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی کامیونت ون سیستم زامیاد مدل ١٣٩٨ به شماره پلاک ٨٩٥ط٢٧ ایران ٩٦ به شماره موتور Z٢٤٨٢٢٨٨٢Z به شماره شاسی NAZPL١٤٠TL٠٥٦١٧٩٢ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

**آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آزمون صنعت نایین به شناسه ملی ۱۴۰۱۰۱۹۷۵۷۲ و به شماره ثبت ۹۹۴ به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آرا فن نائین به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۰۲۹۱۴۳ و به نمایندگی محمدعلی مفیدی نائینی به شماره ملی ۱۲۴۹۴۵۷۲۰۳ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره آراد فن هیدرولیک نائین به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۹۶۹۳۱ و به نمایندگی حسنعلی مفیدی نائینی به شماره ملی ۱۲۴۹۱۹۹۶۹۷ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره آریافن بر تر نائین به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۱۶۰۳۸۴ و به نمایندگی محمدرضا مفیدی نائینی به شماره ملی ۱۲۴۹۴۴۶۸۸۰ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره آرون صنعت نائین به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۱۸۹۸۰۴ و به نمایندگی محمدرضا توکلی محمدی به شماره ملی ۱۲۴۹۸۲۷۷۴۴ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره آرا صنعت نایین به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۵۵۹۵۰۱ و به نمایندگی پدرام برهانی به شماره ملی ۱۲۴۰۰۳۹۹۵۶ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۰۴ انتخاب گردیدند. -زهره روشن روان به شماره ملی ۱۲۴۰۰۹۴۲۲۱ به سمت بازرس علی البدل سمانه بنده علی نائینی به شماره ملی ۱۲۴۹۹۵۲۶۴۶ به سمت بازرس اصلی برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری نایین (۲۳۰۳۹۰۱)**

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک و سند کارخانه متعلق به یک دستگاه خودروی کامیونت ون سیستم زامیاد مدل ١٣٩٩ به شماره پلاک ٩٥١ن٢٦ ایران ٩٥ به شماره موتور Z٢٤٨٢٣٧٩٨Z شماره شاسی NAZPL١٤٠TL٠٥٦٢٢٨٤ به نام عبداله درازهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) متعلق به یک دستگاه خودروی کامیونت ون سیستم زامیاد مدل ١٤٠١ به شماره پلاک ٣٢٦ق٤٨ ایران ٢٣ به شماره موتور M٢٤٩٠٦٦٢٣M شماره شاسی NAZPL١٤٠TN٠٦٨٣٧١١ به نام محمدرضا اشرفی مهابادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز خودروی سواری پراید صبا GTX به رنگ سفید شیری به شماره موتور ١٧٠٥٧٢ به شماره شاسی S١٤١٢٢٧٩٦٤٩٠٤٤ به شماره انتظامی ٢٣١د٧٣ ایران ٩٤ به نام عمار احمدی منفرد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز و کارت خودرو و کارت سوخت خودروی نیسان زامیاد کامیونت مدل ١٣٨٩ به رنگ آبی به شماره موتور ٥٩٥٤٦٨ شماره شاسی NAZPL١٤٠TBO٣٠١٠٩٧ به شماره انتظامی ایران ٨٤- ٣٧د٤٨٦ به نام نیره فرزاد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت روان سیکلت OM٢٠٠ مدل ١٣٨٦ به شماره پلاک ٦٣٧١٢- ١١٣ به شماره موتور ٣٠٠٢٣٤٨٢ شماره شاسی NEK٢٠٠E٨٦٢٠٢٧٠ به نام علی نادری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی پژو سواری هاچ بک پاناروما ٥ TU مدل ١٤٠١ به شماره پلاک ایران ٢٥- ٩٥٤ی٨٩ شماره موتور ١٧٨B٠١١٦٣٠٩ شماره شاسی NAAR٠٣FE٠NJ٣٦١١٣٦ به نام مرتضی روشن قیاس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پژو ٤٠٥ مدل ١٣٨٥ به شماره انتظامی ٧٣٥د٣٢ ایران ٣٧ به شماره موتور ١٢٤٨٥٠١٦٨١٦ شماره شاسی ١٤٢٩٦٣٩٤ به مالکیت ابراهیم خلیل محمدی راد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پراید ١٣٢ مدل ١٣٨٩ به شماره انتظامی ٢٦٤ص٣٢ ایران ١٧ به شماره موتور ٣٧٧٧١٣٧ به شماره شاسی S٥٤٢٠٠٨٩٠١٤٩٦١ به مالکیت شاهرخ پیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.